

ما نا که برد و بیش دریا بنهاد بنمود باو که در چنین باید زاد
ایضاً

عدل است که بنیاد ظفرها باشد ظلم است که موجب ضررها باشد
جو داست که پردلا دار هر عیب بود بخل است که سرپوش هنرها باشد
ایضاً

برخیز و بیا که حجره پرداخته ام از بهر تو مجلسی پرداخته ام
با ما بشرایی و کبابی در ساز کاین هر دو ز دیده و ز دل ساخته ام
فرد

دشمن قوی و کار دل ما تزلزل است
دردی که بیدوست علاجش تحمل است

فیزهم

هر گل که پریشان شود از ناله بلبل
در دامنش آویز که با وی خبری هست

فیزهم

از خراب تن نگردد روح دانا خاکسار
مرغ در پستی نیفتد از شکست شاخسار

فیزهم گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شب بتهائی بکوی دوست بد نامان اروندشانی
نیک نامان را مسلم نیست تنها آمدن

بقیه دارد

بزرگان

ابوحامد غزالی طوسی

مردمان نزرگی که در طول قرون و اعصار از این سرزمین
طلوع نموده و مدنیت عالم را به افکار و اعمال خویش آراسته اند
سیارند.

ولی ما اخلاف آن بزرگان گذشته از اینکه نتوانسته ایم آنها را
 بدیگران معرفی نموده و بفرزندی آنها امتخار کنیم خود ما نیز
 از شناختن آنها عاجز مانده بلکه اصلا از وجود آنها بیخبریم .
 ما از شناختن پدران خود عاجزیم و ناچار باید بجرم جهل
 و بی خبری در ساحت مقدس با خبران عالم با گردن کج مثل
 بیچاره ترین بیچارگان ایستاده و از آنها درخواست کنیم بزرگان
 و اجداد ما را بما معرفی کنند .

امروز فلان نویسنده ما تمام معلومات خودش را جمع کرده
 با مبادی غلط و عبارات غلط در يك موضوع غلط کتابی تألیف
 مینماید آنوقت متوقع است که تمام عالم او را شناخته و او را از
 صمیم قلب پرستش نمایند .

در اینصورت چه قدر مستحق شناختن هستند حکما و علمائیکه
 صد ها تألیف مهم از خود بیادگار گذاشته و گذشته اند و چه قدر
 غنی النفس مردمی بوده اند کسانیکه در روی حصیر مدرسه یا گلیم
 خاقاه خفته و کتابخانهای عالم را از تألیفات عالیه خود زینت داده اند
^{پرو} ابو حامد غزالی طوسی یکی از فلاسفه و علمای خراسانست
 که مسلمین هند و مراکش با اسم او افتخار مینمایند ولی هموطنان او
 باستانی معدودی از حقیقت حال او بی خبرند بلکه باندازه (آرسن
 لوپن) هم از وجود او مستحضر نشده اند .

ابو حامد بقول معروف دارای چند صد جلد تألیف در علوم
 مختلفه بوده است که از آنجمله هفتاد جلد آن امروز در کتابخانهای
 اروپا موجود و اغلب آنها نیز چندین مرتبه طبع و نشر شده است .
 اینک قبل از دخول در بحث و تدقیق تألیفات فارسی و عربی وی
 آن مقاله را که خلاصه شرح حال او و در هلال سال بانزدهم بقلم قلم

جراحی زیدان منتشر شده است ترجمه نموده سپس داخل موضوع میشود.

...

امام غزالی مقام بزرگی را در تاریخ اسلام داراست زیرا
مشاریه نخستین کسی است که بر علیه فلاسفه طبیعیین و پیروان
تعطیل قیام کرده و ظهور او انقلاب بزرگی را در تاریخ فلسفه
قدیم باعث شده است

چنانچه ذیلا مشاهده میشود

شرح حال او

اسم او محمد ابن احمد غزالی مکنی به اباحامد ملقب به
حجة الاسلام زین الدین طوسی فقیه شافعی ایرانی الاصل و منشاء
در سنه ۴۰۰ هجری در شهر طوس و طبرستان فردوسی شاعر ایرانی
موسوم به هومیروس شرق تولد یافته است
همان قسم که فردوسی تاریخ ایرانیان قدیم را زنده کرد غزالی
نیز بقوه ادله و براهین خویش بر ضد فلاسفه طبیعی قیام نموده و آنها
را مغلوب کرد.

فلاسفه مزبور در عصر او بقدری زیاد شده و بر علیه معتقدین
بدیانت شروع بحمله نموده که زمانمداران وقت مجبور شدند محض
ارتباط دیانت با سیاست مدارس عالییه برای مقاومت با تعالیم فلاسفه
تشکیل داده و از انتشار عقاید آنها جلوگیری نمایند
ابو حامد در عصر مدارس جدلیه که -لاحقه در مشرق و
فاطمیین در مغرب تأسیس نموده بودند نشو و نما یافت در این
موقع -لاحقه برای انتشار مذهب تشیع کوشش کرده و فاطمیین در
پیشرفت تسنن سعی مینودند معذالك هر دو طرف از نفوذ عقاید
فلاسفه و پیروان تعطیل بیمناک گشته و بجهت جلوگیری آنها متحد
و متفق شده بودند

پدر غزالی وفات یافت و غزالی در حالتیکه طفل بود نزدیکی از رفقای صوفی پدرش موسوم باحمد رادکانی شروع بتحصیل علوم لسانی و دینی نمود

از همانروز آثار فطانت و بزرگی از ناصبه او مشهود بود و هر مقاله را که ملاحظه میکرد در معانی آن دقت نموده صحیح آنرا از فاسد و صواب آنرا از خطا تشخیص میداد

اتفاقاً در عصر او مردم سرگرم بمباحث فلسفی شده کشمکش غربی بین فلاسفه طبیعی و علمای دیانت شروع گردید

موضوع فلسفه فکر غزالی را متوجه ساخت بنابراین محض تکمیل تحصیلات خود بنیشابور مسافرت نمود

شهر نیشابور در آن تاریخ دارالعلم خراسان و محل اجتماع علما بود که مشهورترین آنها ابوالمعالی جوینی معروف به امام الحرمین میباشد

خواجه نظام الملك وزیر سلاجقه و بزرگترین مؤسس مدارس اسلامی در نیشابور مدرسه ساخته بود که بمناسبت اسم او نظامیه می نامیدند چنانچه مدارس او در بغداد و غیره بهمین اسم موسوم بو

امام الحرمین مقام خطابت مدرسه نیشابور را داشت و مجالس وعظ و مناظره او در آنجا منعقد شده و کتبی هم در آنجا تصنیف نموده بود

مدت سی سال مجالس درس و خطابه و محراب و منبر مدرسه نظامیه متعلق بامام الحرمین بود و بواسطه انتشار مقامات او در ممالک اسلامی طلاب علم و هواخواهان معارف از نواحی بعیده بقصد زیارت و استفاضه به نیشابور رو آورده بودند و از آن جمله ابوحامد غزالی

بود که در خدمت او شروع بآموختن فقه و اصول نموده پس از اندک مدتی دارای مقامات عالیه شده مورد توجه استاد و باعث افتخار طلاب نظامیه گردید .

ابا حامد در خدمت استاد میزیست تا اینکه امام الحرمین وفات

نمود سنه «۴۷۸»

پس از آن در سن ۲۸ سالگی از نیشابور خارج شده و در محلی نزدیک آن موسوم به عسگر که محل توقف خواجه نظام الملک بود ساکن گردید .

خواجه از فضایل و علم او شنیده بود بنا بر این او را طلبیده کمال محبت و پذیرائی را از او نموده و در علو منزلت او مبالغه کرد . ابا حامد در مجالس علمی و مجامع مناظره علما که خواجه نظام الملک تشکیل مینمود حاضر شد و در مناظرات با علما قوت برهان و وسعت فکر او بقدری خواجه را متعجب ساخت که تدریس مدرسه نظامیه بغداد را با او واگذار کرد سنه ۴۸۴

مدرسه مذکور را خواجه نظام الملک در سنه ۴۵۹ ساخته و تدریس آن را به شیخ ابواسحاق شیرازی واگذار نموده بود پس از شیخ ابو اسحاق ابی نصر صباغ صاحب کتاب الشامل جای او را گرفته و پس از او ابی سعید متولی صاحب تئمة الابانه و پس از آن ابا حامد غزالی باین سمت برقرار گردید .

ابا حامد چند سال در نظامیه بغداد تدریس و مجادله نموده در این ضمن بعضی از کتب فلاسفه را مطالعه نمود و مثل سایر اشخاصیکه در اول دفعه اطلاع بفلسفه گرفتار شک و تردید و ضعف دیانت شده از حاده تدین خارج میشوند ابا حامد نیز بهمین مرحله رسیده و شروع کرد قضایای فلسفیرا شکافته از روی بصیرت و تعقل در جزئیات آن بحث و

تدقیق نماید ولیکن غزالی شخص عاقل بصیر و مایل بدیانت بود و پس از مطالعه کتب فلاسفه ظاهر اقوال آنها را مخالف با دیانت تصور نمود این پیش آمد او را متحجر ساخته و اصرار او را در تحقیقات فلسفی و مراجعه سایر آثار فلاسفه و تفکر در مقدمات و تمسایح آن زیاد تر نمود.

ابتداء کتبی که از فلاسفه بنظر غزالی رسید کتب گندی و فارابی و ابن سینا بود ولیکن طریقه ابن سینا را برای بحث و تعمق انتخاب کرد.

تمام مدت تدریس خود را در نظامیه بغداد صرف این فکر کرده و روز بروز تزلزل فکر و اضطراب عقیده او بیشتر میشد تا اینکه او را از تدریس باز داشت لهذا در سنه ۴۸۸ از تدریس نظامیه کناره گرفته محض تحقیق و مطالعه گوشه نشینی و زهد را پیشه خود ساخت و مدت ده سال نیز در مسافرت بین حجاز و شام و بیت المقدس بطریق صوفیه بسر برد و کلبه این مدت را مشغول مطالعه و مناظره و مباحثه بود.

در این ضمن شهرت علم دوستی یوسف ابن تاشفین صاحب مراکش و رغبت او در دیانت و اکرام بعلماء و پذیرائی از آنها گوشزد غزالی شده مصمم شد که بجانب او مسافرت نموده در جنگهای مقدس او شرکت نماید.

ولی پس از ورود باسکندریه رسیدن خبر فوت ابن تاشفین او را مجبور کرد که بوطن خود عودت نماید.

باری پس از مدت ها اعمال فکر و تحصیل بر او ثابت گردید که فلاسفه در گمراهیند و عازم شد که از دیانت دفاع نماید لهذا بطور عالمانه به آن حمله کرده کتابها در آنها موضوع

تألف و با کمال قوت و قدرت با ادله فلسفی از دیانت دفاع
نموده از آنروز بقلب حجة الاسلام ملقب گردید
پس از مدتی اقامت در طوس لازم دید که بمدرسه نیشابور معاودت
کرده و در آنجا بتدریس پردازد ولی با کمال بی میلی به نیشابور
رفته و پس از مدتی مجدداً بطوس مراجعت نمود.

این مرتبه زندگی صوفیانه برای خود ترتیب داده خانقاهی
بنا نمود و در جنب آن نیز مدرسه برای طلاب علم تشکیل داد.
غزالی بقیه عمر در آن خانقاه مشغول تدریس و ادای وظایف
خبریه و مجالست اهل قلوب بود تا اینکه در سنه ۵۰۰ هجری در
طوس در قصبه طایران وفات یافته و در همان خانقاه مدفون گردید
(بقیه دارد)

حسین - سرور

آثار انجمن ادبی ایران

عقاب بامیر معزی بابت اعتراض او در باره گفتار
حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی علیه الرحمه

که گفته است فردوسی پاکزاد *شورشگاه علوم بنگینی ز افسانه گزیده است یاد*
تاریخ شاهنشاهان عجم *رتال جامع علوم اسلامی*
چو ساسانیان و چو اشکانیان
برو نا بسر سلسله پیشداد
همه استخوانهای بوسیدگان
ز جان سخن مردگان زنده کرد
درختی بلند است تاریخ او
نه گفتش بچشم سخن جاندهد
دروغست اگر انهمه در که سفت
که بود از مه آ بادشان فروداد
ز سر تا زپا خاک بوسیدگان
جهانرا بدرگاهشان بنده کرد
که مه تا بماهیت خود بیخ او
که نیرو بجان سخندان دهد
همانا دروغی به از راست گفت.